

افتد
درین آفتا باشد مثل ملسی و زنبور و کرمی که در طعام
و صیدی که در دهان سگ مُعَلَّم میورد و جنین مذکی یعنی
انچه در شکم مادر کشته بود پاک باشد اما ملس و امان آن
که در جنین افتد و میبرد آن چینی پاک باشد و اما اگر بید
برگردد دست بیاید دست و آب چشم و بینی پاک باشد
و تخم مرغ و کرم ابریشم و عرف همه پاکست و از آن که
پلیدست که بان غاز نتوان کرد پنج چیزست اما عفو کرده
بسیار که از آن اصرار کردن مشکلت **اول** اثر استنجی
بعد از کلوخ و شستن **دوم** کل شاه راه مادام که بشود
ناجایده باشد که اگر نقطه چند بود معفو بود **سوم**
نجاست بر موزه چون بر زمین مالد غلبه ابو حنیفه پاک
چهارم خون کبک که آنرا آن معفو است اگر چه در آن چاه
عرق کند خونابه که از بن مویها بداید که بوی
آدمی ازین خیالی نباشد و اگر از بنیدی یا زخم و غیر آن کرم
آید بیایدش نکند که اگر در آن غاز کند غاز را قضا باید کرد

وای

و آنچه فقهای اسلام در کتب فقه آورده اند اینست اما
فروع و شعیان بسیارست و بیشتر و آنچه لابد مسلمانانست
این قدر کافیت زیرا که از کتب مطول خواندن مشکلت
پس بداند که هر چه نجس باشد بیکبار آب که بر آن بکشد پاک
مگر که غیر نجاست بر آن مانده باشد آن زمان چند بار بیاید
که عین آن زایل نشود که اگر از رنگ یا بوی یکی ماند پاک باشد
و هر آب که صحت آن آفریده همه پاک و پاک کننده است مگر چهار
آب یکی آنکه بیکبار در حلت بکار برند آن پاک باشد و لیکن
پاک کننده نباشند و آنرا مستعمل گویند اما اگر در جمیع
شود تا بیاضد و طل شرعی رسد پاک کننده باشد
و مستعمل آن باشد که بگونه محل فرض کشته باشد پس آن دو
که سنت است مستعمل نباشند مادام که در کوزه اول آب
شسته می فیضه رسیده باشد و اگر کسی نجاست از خود زایل
کند باشد روز و بیسازد و بعد از وضو غسل کند
جمعه جمعه با غیر جمعه بر آب آن غسل پاک باشد و پاک کننده